



از حفظ طوطی وار تا یادگیری معنادار

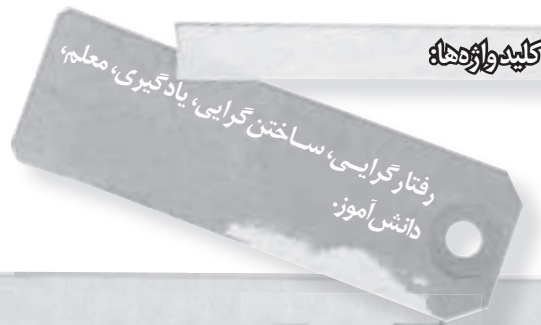
به سوی تحول در شیوه‌های یاددهی و یادگیری

سانتوش شرما

ترجمه و تلخیص:

داود سلیمی

کارشناس ارشد تکنولوژی آموزشی



صورت می‌گیرد، پی ببرند و تفاوت آموزش ساختن‌گرا و رفتارگرا را مورد مشاهده قرار دهند.

ویژگی‌های تدریس سنتی

در تدریس سنتی، دانش به عنوان انطباق بر واقعیت‌ها، قوانین و نظریه‌ها تلقی می‌شود. نقش معلم، انتقال مقتدرانه‌ی دانش به دانش‌آموزانی است که به عنوان دریافت‌کنندگان منفعل دانش تلقی می‌شوند. در فرایند یاددهی - یادگیری، بر حفظ واقعیت‌ها، فرمول‌ها، تعاریف، معادلات، اقتباسات، رویه‌ها و نظریات تأکید می‌شود. موفقیت دانش‌آموزان به وسیله‌ی آزمون‌هایی ارزشیابی می‌شود که بازخوانی واقعیت‌ها، قوانین، تعاریف و نظریات است. پاسخ‌های دانش‌آموزان به عنوان صحیح یا غلط، در مقایسه با پاسخ‌های درست، قطعی و دیکته شده‌ی ممتحن ارزشیابی می‌شود. رتبه‌ها و نمرات در امتحان پایانی، نشانگر موفقیت دانش‌آموز و قابلیت‌های یادگیری او تلقی می‌شود. بنابراین، تدریس، آزمون‌محور است و هدف اصلی آن آماده شدن دانش‌آموزان برای گذراندن امتحانات با نمره یا رتبه‌ی بالاست.

ساختن‌گرایی

فلسفه‌ی ساختن‌گرایی درباره‌ی یادگیری، بر این باور استوار است که ما درک خود را از جهان با تأمل بر تجربیاتمان می‌سازیم. هر کدام از ما «قواعد» و «الگوهای ذهنی» خاص خود را تولید می‌کنیم.

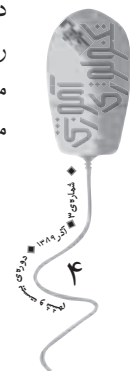
سراغاز

چارچوب برنامه‌ی درسی ملی (NCF) هند که انجمن تحقیقات و کارآموزی آموزشی در سال ۲۰۰۵ تدوین کرده است، نوعی تغییر پارادایم از حفظ طوطی وار اطلاعات به یادگیری همراه با درک را توصیه کرده است. چارچوب این برنامه‌ی درسی ملی اعلام می‌کند، برنامه‌ی درسی باید به دانش‌آموزان کمک کند تا تفکرات و ایده‌هایشان را از طریق تجربه، عمل و تأمل توسعه دهند. مدارس باید فرایند ساخت دانش را تسهیل و به دانش‌آموزان کمک کنند تا متفکران مستقل، به حل مسائل روزمره قادر شوند. در برنامه‌ی درسی جدید، معلمان به عنوان عاملان اصلی تغییر تلقی می‌شوند. معلمانی که خودشان به وسیله‌ی الگوی کارآموزی معلم رفتارگرا آموزش دیده‌اند و تحصیل و آموزش دانشگاهی را از طریق روش‌های دیکته شده‌ی سنتی کسب کرده‌اند، ممکن است شکشان درباره‌ی عملیاتی بودن رویکرد جدیدی که بر فلسفه‌ی ساختن‌گرایی مبتنی است، برانگیخته شود. بنابراین، احساس می‌شود که معلمان باید لزوم تغییر و چگونگی تغییر در فرایند یاددهی - یادگیری را درک کنند.

نیاز به تغییر

زیادی برای دانش‌آموز در پی دارد و بی‌معنی و ملال‌آور می‌شود. هم‌چنین، بیشتر دانشی که دانش‌آموزان از این طریق در مدارس کسب می‌کنند، با روش‌های تفکر فردی‌شان بیگانه است و هنگام استفاده از آن دانش در حل مسائل روزمره، شکست می‌خورند. دانشی که نتواند مورد استفاده قرار گیرد، به دانش «مرده» تبدیل می‌شود. سؤال این است که آیا یادگیری در مدارس می‌تواند برای دانش‌آموزان معنی‌دار شود و چگونه؟ به منظور درک این تغییرات، معلمان باید ابتدا به عواقب عمل یاددهی - یادگیری کنونی‌شان که بر اساس رفتارگرایی

تدریس سنتی، معلم‌محور و سلطه‌گرایانه است. معلمان از روش‌های آموزشی دیکته شده استفاده می‌کنند، به طوری که دانش‌آموزان را از اطلاعات لبریز می‌سازند. آن‌ها از دانش‌آموزان انتظار دارند این اطلاعات را حفظ و دوباره همان‌ها را در امتحان فراخوانی کنند. در پایان سال تحصیلی هم موفقیت دانش‌آموز از حیث نمرات و رتبه‌ی کسب کرده در امتحانات، تأیید می‌شود. نمرات و رتبه‌ها، مهم‌ترین بازده آموزش مدارس محسوب می‌شوند. این نوع آموزش مبتنی بر «انباشت اطلاعات»، استرس



مبانی روش رفتارگرایی	مبانی روش ساختن گرایی
۱ مبتنی بر نظریه پیوندگرایی محرک - پاسخ	مبتنی بر نظریه‌های شناختی یادگیری است
۲ یادگیری، برابر با تغییر رفتار است	یادگیری فرایند ساخت دانش است
۳ یادگیری یک رویداد تلقی می‌شود	یادگیری به عنوان یک فرایند تلقی می‌شود
۴ اهداف یا بازده‌های «یادگیری تصریح شده» مهم‌اند	فرایند یادگیری و توسعه‌ی تفکر اهمیت دارد.
۵ معلمان دانش را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند.	خود دانش‌آموزان دانش را می‌سازند و معلم تسهیل‌کننده‌ی این فرایند است
۶ معلمان از طرح درس‌های از پیش تعیین شده استفاده می‌کنند	درس‌ها، مبتنی بر پاسخ‌ها و واکنش‌های دانش‌آموز توسعه داده می‌شود.
۷ معلمان از روش اصلاح رفتار استفاده می‌کنند.	معلمان از روش‌های توسعه‌ی فکر استفاده می‌کنند.
۸ موفقیت دانش‌آموزان توسط آزمون‌های استاندارد ارزشیابی می‌شود.	معلم و دانش‌آموز هر دو با هم پیشرفت یادگیری را ارزشیابی می‌کنند.
۹ پاسخ‌های دانش‌آموزان با گزینه‌ی صحیح یا غلط مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد.	پاسخ‌های دانش‌آموزان به عنوان روش‌های دیگر تفکر پذیرفته می‌شود.
۱۰ تسلط بر اجزای کوچک دانش تأکید می‌شود	دیدگاه کل‌گرا از دانش بیشتر مورد تأکید است

- یادگیری، دریافت و حفظ منفعانه‌ی اطلاعات نیست، بلکه نوعی فرایند مفهوم‌سازی فعال است.
- یادگیری جدید به دانش قبلی یادگیرنده وابسته است.
- یادگیری مستلزم تجدید سازمان‌دهی طرح‌واره‌های مفهومی قبلی یا نقشه‌های شناختی است.
- یادگیری به وسیله‌ی تعاملات اجتماعی تسهیل می‌شود.
- یادگیری معنی‌دار درون تکالیف یادگیری معنی‌دار رخ می‌دهد. بنابراین آنچه گفته شد، دیدگاه ساختن‌گرایی، تغییر از انتقال دانش به وسیله‌ی معلم به ساخت دانش توسط یادگیرندگان را پیشنهاد می‌دهد. تأکید این نظریه بر آن است که آموزش باید کمک کند تا دانش‌آموزان دانش خود را از طریق تجربه و عمل بسازند. با تغییر دیدگاه‌ها درباره‌ی ماهیت دانش و یادگیری انسان، نیاز به تغییر در شیوه‌های آموزشی احساس می‌شود. در روش‌های آموزشی نوین، بر فرایند یادگیری تأکید می‌شود و در آموزش، روش‌های یادگیری و تفکر دانش‌آموزان باید مورد توجه قرار گیرند.

مراحل رشد یادگیرنده تأثیر می‌پذیرد. ساختن‌گرایی پیازه‌های ابزارهای شناختی را به عنوان کارکردهای منطقی-ریاضی که عام و جهانی است و در زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی متفاوت نیستند، تلقی می‌کند؛ با کاربرد این کارکردها توسط عمل روی اشیاء در محیط، کودک قادر است دانش را بسازد. کودک به طور مستقیم جهان را درک نمی‌کند، بلکه دانش را از طریق انطباق می‌سازد.

در ساختن‌گرایی اجتماعی ویگوتسکی پیشنهاد می‌دهد، معانی در زمینه‌ی اجتماعی و فرهنگی که افراد در آن واقع شده‌اند، در میان گذاشته و ساخته‌شود. یادگیری مستلزم تعامل بین یادگیرنده و معلم و دیگر یادگیرندگان است. دانش‌آموزان با مقایسه‌ی درکشان با دیگران و با آزمون دانششان در مقابل دانش دیگران، به درک جدید می‌رسند و آن را توسعه می‌دهند. اگرچه پیازه و ویگوتسکی در خصوص نقش زبان و تعامل اجتماعی در فرایند ساخت دانش اختلاف‌نظر دارند، ولی با دیدگاه ساختن‌گرا از یادگیری در موارد زیر توافق دارند:

فلسفه‌ی ساختن‌گرایی در فلسفه‌ی عمل‌گرای دیویی ریشه دارد. فلسفه‌ی جان دیویی مبتنی بر این فرض است که دانش و ایده‌ها از موقعیتی پدیدار می‌شوند که در آن موقعیت، یادگیرندگان باید آن‌ها را از تجربی استخراج کنند که برایشان معنی‌دار و مهم است. این موقعیت‌ها باید در زمینه‌ی اجتماعی مثل کلاس درس ایجاد شود که در آن‌جا دانش‌آموزان با هم مواد را دست‌کاری می‌کنند و دانششان را با یکدیگر می‌سازند. جان دیویی بر نقش فعالیت در یادگیری تأکید می‌کرد.

در میان ساختن‌گرایان معاصر، پیازه و ویگوتسکی مواضع معرفت‌شناسی متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. پیازه معتقد است که یادگیری به طور قوی از



منبع: Sharma, Santosh (2005). From rote memory to learning by understanding, New Dehli. Available in: www.ncert.nic.in/html/pdf/Meeting_of_General_%20Committe.